

ترسیم آینده جهان^۱

پرویز دوامی^۲ - صدیقه بیگدلی^۳

بهمن ۱۳۸۷

از زمان تشکیل سیستم اتحاد غربی در سال ۱۹۴۹ تا کنون، شکل و سرشت مسیرهای بین‌المللی در چنین حالت مناسبی نبوده است. پایان جنگ سرد سطوح زیرساختی را تغییر داده است، اما واکنش‌های رویدادهای مهم همچنان در حال آشکار شدن است. پدیدار شدن قدرت‌های آسیایی، بازسازی اروپا و آسیا، خاورمیانه پر آشوب و تقسیم بندی‌های بین‌اقیانوسی، رویدادهایی هستند که در صدر اخبار سال‌های اخیر قرار دارند. سرعت و شدت زیاد تغییرات ناشی از جهانی‌سازی، بدون در نظر گرفتن هزینه‌های آن آینده جهان را تا سال ۲۰۲۰ تعریف خواهد نمود. دیگر شاخص‌ها عبارتند از: رشد قدرت‌های جدید، چالش‌های جدید برای دستیابی به حاکمیت و وجوه بیشتر ناامنی، همچون تروریسم. اگر آینده جهان را ترسیم نمائیم، پیش‌بینی افزایش شکوفایی جهانی و بازنمایی صحیح چالش‌های قدرت‌های بزرگ، محیطی بسیار مطلوب برای غلبه بر چالش‌ها فراهم می‌آورد. نقش ایالات متحده، متغیری مهم در شکل‌دهی مناسبات جهانی است، که مسیر انتخابی توسط نقش آفرینان سیاسی و غیرسیاسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

نقش آفرینان جدید جهانی

ظهور احتمالی چین و هند، به عنوان نقش آفرینان اصلی جدید، مانند ورود آلمان متفق در قرن ۱۹ و ایالات متحده در قرن ۲۰، چشم انداز جغرافیای سیاسی را با آثاری به غم‌انگیزی وقایع قرن بیستین تحت تاثیر قرار خواهد داد. همچنانکه مفسران، قرن ۱۹ را قرن آمریکا می‌نامند، قرن ۲۱ می‌تواند با رهبری چین و هند به نام قرن آسیا شناخته شود. ترکیب رشد اقتصادی پایدار با گسترش توانمندی‌های نظامی و جمعیت زیاد می‌تواند ریشه افزایش سریع قدرت سیاسی و اقتصادی این دو کشور باشد.

^۱ منبع: http://www.dni.gov/nic/NIC_globaltrend2020.html

^۲ دانشگاه صنعتی شریف

^۳ مرکز پژوهش‌های متالورژی رازی

- بسیاری از پیش بینی های حاکی از آنست که در سال ۲۰۲۰، چین به عنوان تولید کننده بین المللی ماری جوانا (GNP) از توان اقتصادی کشورهای غربی، به جز آمریکا فراتر خواهد رفت. GNP هند از اقتصاد اروپایی پیشی خواهد گرفت یا در آستانه پیشی گرفتن قرار می گیرد.
- به دلیل افزایش شدید جمعیت جهان، که توسط کمیته آمارگیری ایالات متحده تا حد ۱/۴ میلیارد یا ۱/۳ میلیارد نفر تا سال ۲۰۲۰ تخمین زده شده است، استانداردهای زندگی به سطح غربی نخواهد رسید تا این کشورها را به قدرت های اقتصادی بزرگ تبدیل نماید.

حتی با جلوگیری و معکوس سازی ناگهانی فرایند جهانی سازی یا هر انقلابی در این کشورها رشد این قدرت های جدید قطعاً حتمی است. با اینهمه، چگونگی اعمال قدرت رشد یابنده چین و هند و اینکه آنان در سیستم بین المللی به صورت رقابتی و متقابل با دیگر قدرت ها مرتبط باشند، عدم قطعیت های کلیدی به شمار می روند. وضعیت اقتصادی دیگر کشورهای در حال توسعه مانند برزیل، می تواند تا سال ۲۰۲۰ از بزرگترین کشورهای اروپایی پیشی گیرد؛ موقعیت اقتصادی اندونزی نیز می تواند به کشورهای اروپایی نزدیک شود. محاسبات بیشتر نشان می دهد که اروپا با برخورداری از اهمیت تجاری، ارز انحصاری، نیروی کار دارای توانمندی بالا، حکومت های دموکراتیک پایدار و بلوک های تجاری متحد گسترده قادر خواهد بود که وزن خود را در صحنه بین المللی افزایش دهد. قدرت اروپا می تواند مدلی برای حکومت جهانی و منطقه ای قدرت های رو به رشد ایجاد نماید. اما بالارفتن سن جمعیت جهان و کاهش نیروی کار در بیشتر کشورها تاثیری مهم بر وضعیت بین قاره ای خواهد داشت. کشورهای اروپایی نیروی کار خود را تعدیل خواهند کرد، رفاه اجتماعی، آموزش، سیستم های مالیاتی خویش و رشد جمعیت مهاجر (خصوصاً از کشورهای مسلمان) را کنترل خواهند نمود، یا در غیر اینصورت با دوره ای از رکود اقتصادی طولانی مدت مواجه خواهند شد.

ژاپن نیز با بحران بالارفتن سن مواجه خواهد بود، که ممکن است مسیر بهبود اقتصادی آن را ناهموار سازد، اما ارزیابی وضعیت و نقش منطقه ای آن دشوار خواهد بود. توکیو باید در مورد ایجاد تعادل با چین یا موضع گیری علیه آن انتخاب نماید. در همین ضمن، بحران کره شمالی نیز در صدر اخبار ۱۵ سال آینده قرار خواهد گرفت. خشم دیرهنگام مردم آسیا و نگرانی ها در مورد یکه تازی کره شمالی فرایند دستیابی به تعادل منطقه ای را پیچیده تر خواهد ساخت. روسیه به عنوان یک صادر کننده اصلی نفت و گاز، پتانسیل بهبود روابط بین المللی خویش با دیگران را دارد. با اینهمه، روسیه در نتیجه نرخ پایین تولد، امکانات نامناسب پزشکی و گسترش بی رویه جمعیت با بحران جدی جمعیتی مواجه خواهد بود. حضور افراد تندرو و چالش های بومی، منطقه قفقاز و آسیای مرکزی را به ناحیه ای بی ثبات در جنوب تبدیل خواهد کرد. با وجود آنکه این عوامل سیاسی و اجتماعی حوزه عمل روسیه به عنوان یک بازیگر اصلی جهانی را محدود خواهند کرد، اما مسکو شریکی مهم برای کلیه کشورهای مذکور، یعنی آمریکا و اروپا و همچنین قدرت های رو به توسعه، یعنی هند و چین خواهد بود.

با در نظر گرفتن این نقش آفرینان و دیگر نقش آفرینان جدید جهانی، چگونه می توانیم تغییرات دقیق جهانی در سال ۲۰۲۰ را ترسیم نماییم؟ قدرت های جدید همچون چین و هند و احتمالاً برزیل و اندونزی، پتانسیل آن را دارند که طبقه بندی قدیمی شرق و غرب، شمال و جنوب، منظم و غیرمنظم توسعه یافته را بازتعریف نمایند. طبقه بندی های جغرافیایی سنتی به صورتی روزافزون، برجستگی خویش در روابط بین المللی را از دست خواهند داد. جهانی ساختارمند و جهانی از کلان شهرها، که توسط جریانانی از ارتباطات، تجارت و سرمایه به یکدیگر مرتبط هستند، به هم زیستی ادامه خواهند داد.

آثار جهانی سازی

جهانی سازی از نظر ما به مفهوم روابط رو به گسترش بازتاب یافته در جریان های وسیع اطلاعات، فناوری، سرمایه، کالا، خدمات و مردم جهان است، که به عنوان یک حفاظ و نیرویی حاضر در همه جا، روند جهان در سال ۲۰۲۰ را شکل خواهد داد. اما آینده جهانی سازی ثابت نیست؛ نقش آفرینان سیاسی و غیرسیاسی، یعنی شرکت های خصوصی و NGO ها، برای شکل دهی وجهه آن تلاش خواهند کرد. بسیاری از جنبه های جهانی سازی همچون رشد روابط جهانی در نتیجه انقلاب فناوری اطلاعات (IT) قطعاً غیر قابل بازگشت خواهند بود. همچنین، هرچند اندک، احتمال آن وجود دارد که فرایند جهانی سازی کند یا حتی متوقف شود، یا در صورت وقوع جنگ ها و رکود ناگهانی جهانی، دچار شکست گردد.

با فرض نادیده انگاشتن چنین وقایعی، احتمالاً اقتصاد دنیا با تمام توان به رشد خود ادامه خواهد داد، به طوریکه در سال ۲۰۲۰، هشتاد درصد بیشتر از سال ۲۰۰۰ و میانگین درآمد به ازای سرمایه حدوداً پنجاه درصد بالاتر خواهد بود. البته، بحران های مالی مقطعی وجود خواهد داشت، اما مسیر رشد اصلی، شتابی همراه با خود دارد. اکثر کشورهای جهان، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، از منافع اقتصاد جهانی بهره خواهند برد.

با اینهمه، منافع جهانی سازی جهانی نخواهند بود. رشد قدرت ها، بهره برداری از فرصت های حاصل از بازار جهانی را به عنوان بهترین مسیر برای حمایت از موقعیت های برتر قدرت در مقطع جهانی تحت تاثیر قرار خواهد داد. در مقابل، بسیاری از کشورهای جهان اول، ممکن است شکاف بزرگ موجود بین چین و هند با دیگر کشورها را به عنوان یک نقص نسبی در نظر گیرند، حتی اگر احتمال آن وجود داشته باشد که قدرت های قدیمی تر رهبر جهانی ۲۰۲۰ باقی بمانند. ایالات متحده نیز جایگاه و قدرت خویش را در معرض خطر خواهد یافت، هرچند که ممکن است تا سال ۲۰۲۰، این کشور همچنان مهم ترین قدرت در ابعاد جهانی باقی بماند. چنین جریانانی در توسعه جهان، ممکن است

سبب آزار چین و هند شود؛ بخصوص اگر در رشد نفوذ اقتصادی خویش در بازارهای جهانی، تحت فشار قرار گیرند. و حجم زیادی از فقر حتی در کشورهای برنده وجود خواهد داشت.

بیشترین منافع جهانی سازی به گروه ها و کشورهایایی تعلق خواهد داشت که به فناوری جدید دسترسی داشته و خود را با آن مطابقت دهند. در واقع، میزان ملی بودن یافته های فناوری، به عنوان عاملی از ایجاد و به کار گیری فناوری در دسترس جهانی تعریف خواهد شد؛ اینکه آیا فناوری توسط تحقیقات اصلی خود کشور حاصل شده است یا با رهبری دیگران. جریان رشد قدرت مغزی پیشرفته بین کشورهای در حال توسعه و غرب، افزایش ابعاد اطلاعات کامپیوتری در بسیاری از کشورهای رو به توسعه و تلاش های شرکت های جهانی برای گوناگون ساختن فعالیت های پیشرفته خویش، سرعت انتشار فناوری را افزایش خواهد داد. مطالعات برخوردار از فناوری، مانند ارگانسیم های ژنتیکی اصلاح شده و محصولات غذایی تکثیر یافته حاشیه امنی برای نابودی هشدار گرسنگی و بهبود کیفیت زندگی کشورهای فقیر فراهم خواهد ساخت.

کشورهایی که چنین خط مشی ای را تعقیب می کنند، می توانند مراحلی از پیشرفت را طی کرده و از مسیرهایی که کشورهای پیشرو مانند ایالات متحده و اروپا برای دستیابی به پیشرفت مجبور به طی آنها هستند، بپرهیزند. چین و هند برای تبدیل شدن به رهبران فناوریک از جایگاه مناسبی برخوردارند.

- انقلاب بعدی در زمینه فناوری اطلاعات مربوط به نانو و بیو در فناوری مواد می تواند بیشتر بر چین و هند تکیه نماید. این دو کشور در تحقیقات بنیادی در این زمینه ها سرمایه گذاری می کنند و برای رهبری تعداد زیادی از رشته های کلیدی در جایگاه مناسبی قرار دارند. اروپا با نادیده گرفتن آسیا در بسیاری از زمینه های تکنولوژی خطر می کند. ایالات متحده هنوز برای حفظ رهبری خود در جایگاه مناسبی قرار دارد، هرچند که باید برای این کار به رقابت بپردازد و ممکن است در برخی زمینه ها جایگاه خویش را از دست بدهد.

شرکت های بیشتری جهانی می شوند، و عملکردشان چه در ابعاد و چه در خاستگاه تنوع بیشتری می یابد؛ یعنی بیشتر آسیایی و کمتر اروپایی می شود. چنین شرکت هایی که شرکت های فراملیتی بزرگ را در بر می گیرند و هر روز بیش از پیش غیر قابل کنترل می شوند، کلید اصلی انتشار تکنولوژی برای بهبود اقتصاد جهان هستند. این شرکت ها محدوده وسیعی از کشورها، همچون چین، هند و برزیل را شامل می شوند. اگر امریکای شمالی، ژاپن و اروپا کاملاً بر موسسات مالی و سیاسی حکمفرما می شوند، جهانی سازی ماهیتی غیرغربی به خود می گیرد. در سال ۲۰۲۰، جهانی سازی در اذهان جمعی به جای ارتباطات خاص آمریکایی سازی، به عنوان آسیای رشد یافته شناخته خواهد شد.

اقتصاد رو به گسترش جهانی، تقاضای برای مواد خامی همچون نفت را افزایش می دهد. مجموع انرژی مصرفی، که بیشتر شامل انرژی حاصل از مصرف نفت می شود، در مقایسه با رشد ۳۴ درصدی محدوده سال های ۱۹۸۰-۲۰۰۰، احتمالاً طی دو دهه آینده تا ۵۰ درصد افزایش می یابد. بیشتر کارشناسان بر این باورند که با سرمایه گذاری پایدار در ظرفیت های جدید، منابع معمول انرژی برای رفع نیازهای جهانی کافی هستند. تولید کننده های قدیمی نفت در خاور میانه دچار ناپایداری شدیدی می شوند. **بنابراین، رقابت های شدیدتری ناشی از تقاضا که احتمالاً منجر به قطع صادرات نفت می شوند، از عدم قطعیت های کلیدی در بررسی ها هستند.**

احتمالات مربوط به آینده

راه های زیادی برای شکل گیری فرصت های مهم جهانی در ۱۵ سال آینده، از تنش های جدی در سیستم بین ایالتی تا نوع جدی آن در جهانی سازی، وجود دارد. در این مقاله، این مفاهیم را در چهار طرح فرضی که از روندهای کلیدی مورد بحث در این گزارش بدست آمده، بسط می دهیم. **این طرح ها را نمی توان به عنوان پیش بینی های واقعی در نظر گرفت،** اما شرایطی را که ممکن است نقطه شروع ما باشند، بسته به روندهای موثری که ایفای نقش می کنند، توصیف می نمایند.

- **دیدگاه داوس:** تصویری را ارائه می کند که چگونگی شکل داده شدن فرایند جهانی سازی با رشد اقتصادی طی ۱۵ سال آینده را توضیح می دهد؛ فرایند فوق به گونه ای است که به جهان صورتی غیرغربی می دهد و نقش آفرینان جهانی را دگرگون می سازد.
- **صلح امریکایی:** برتری امریکایی را برای رهایی از تغییرات تندروانه در چشم انداز سیاسی جهانی و ارائه خدمات و راهکارهای جدید و جهانشمول مورد بررسی قرار می دهد.
- **حاکمیت جدید:** نمونه ای از اینکه چگونه یک حرکت جهانی که با سیاست های شاخص تندروانه مذهبی تغذیه می شود، می تواند چالش شدیدی در هنجارها و ارزش های غربی به عنوان مبنای سیستم جهانی ایجاد نماید، ارائه می دهد.
- **چرخه ترس:** نمونه ای از اینکه چگونه نگرانی ها در مورد تکثیر و گسترش تسلیحات اتمی می تواند افزایش یابد و به نقطه ای برسد که ضرورت اعمال سیستم های امنیتی در مقیاس بزرگ به صورت فراگیر را جهت جلوگیری از فجایع ناشی از حملات مرگبار را ایجاد نماید، ارائه می دهد، شاید چیزی شبیه جهان اورولی.

البته، طرح های فوق تنها اندکی از احتمالات ممکن را نشان می دهد که ممکن است طی ۱۵ سال آینده گسترش یابد، اما محدوده وسیعی از احتمالات قابل تصور، دوره ای را پیش بینی می کنند که با جریانی که در تعارض با دوره جنگ سرد قرار دارد رشد می کند. این طرح ها با یکدیگر تعارضی ندارند: می توان دو یا سه طرح را که در بسیاری از محدوده ها با دیگر طرح ها ترکیب می شوند، در نظر گرفت.

الزامات خط مشی

امریکا در شکل دهی روابط بین المللی در سال ۲۰۲۰ نقش بسیار مهمی خواهد داشت. واشنگتن برای مدیریت روابط خود با اروپا، آسیا، خاور میانه و دیگر مهره های گم شده ای که در دستیابی به تفاهمی جهانی هشدار جدی به شمار می روند، با چالش هایی جدی مواجه خواهد شد. اگرچه چالش های پیش رو دشوار خواهند بود، اما ایالات متحده بیش از سایر حکومت ها نقش محوری و برتری های عمده خود را در محدوده وسیعی از زمینه های نظامی، اقتصادی، سیاسی و فنی حفظ خواهد کرد. برخی از این موارد می تواند شامل اتحاد ناگهانی در روابط اروپا و آسیا باشد. اتحادیه اروپا، بیش از ناتو به سازمان اصلی اروپا تبدیل خواهد شد و نقشی که اروپائیان برای جایگاه جهانی خویش متصور می شوند، بیشتر از طریق اتحادیه اروپا خواهد بود. تحلیل روابط ایالات متحده با آسیا، به دلیل جریانهای ناشی از رشد اقتصادی جهان دوم و وغول های سیاسی در عرصه بین المللی، احتمالاً برای واشنگتن چالش برانگیز تر خواهد شد. راهبرد روابط ایالات متحده و آسیا بیشتر با تدابیر آسیایی ها نسبت به سیاست های آمریکایی انجام می گیرد. یکی از این موارد می تواند احتمالات ناشی از ایفای نقش توسط امریکا در زمینه متعادل سازی روابط بین نیروهای مهاجم به واشنگتن باشد.

اقتصاد ایالات متحده نسبت به نوسانات مالی با گسترده تر شدن شبکه تجاری جهانی آسیب پذیرتر می شود. همچنین وابستگی ایالات متحده نسبت به ذخایر نفتی خارجی، با افزایش رقابت بر سر دستیابی به منابع نفتی و احتمال قطع صادرات نفت نیز آن را در معرض خطر قرار می دهد. از آنجا که هیچ کشوری نمی تواند به تنهایی بر فاصله که از نظر رقابت تجاری با امریکا دارد فائق آید، کشورهای بیشتری در جایگاهی قرار می گیرند که ایالات متحده را مجبور به پرداخت بهایی سنگین برای هر نوع حرکت نظامی نمایند. دارندگان سلاح های شیمیایی، میکروبی یا هسته ای کانند ایران و کره شمالی یا دیگر کشورهایی که احتمال برخورداری از چنین تسلیحاتی را تا سال ۲۰۲۰ دارند، نیز فشار برای پرداخت بهایی سنگین برای هر حرکت نظامی امریکا علیه این کشورها یا هم پیمانان شان را افزایش می دهند.

ظرف ۱۵ سال آینده افزایش اختلافات بومی جدید و قدیم، پتانسیل تقسیم جهان و ایجاد چالش هایی در مورد رهبری آن توسط ایالات متحده را خواهد داشت. این اختلافات شامل تغییرات محیط زیستی و آب و هوایی، حوزه خصوصی کلونی سازی و بیو تکنولوژی، حقوق بشر، درگیری های تنظیمات حقوق بین المللی و نقش شرکت های چند ملیتی می شود. ایالات متحده مجبور خواهد شد که با افکار عمومی جهان که از جنگ سرد به شدت متاثر شده اند، مبارزه نماید. بسیاری از جریانهای ضد امریکایی سازی به دلیل وقوع جهانی سازی و نزدیک شدن چهره جهان به شکلی غیرغربی رخ می دهد. در همین زمان، نسل جوان تر رهبران، بر خلاف دوره پیش از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده را به عنوان رهایی بخش نمی شناسند و واشنگتن را به تفکر درباره رفتارهای خویش وامی دارند.